



سنت شفاهی به مثابه تاریخ



جان وانسینا

مترجم: فرهاد نام برادر شاد

تألیف:
جان وانسینا

ترجمه:
فرهاد نام برادرشاد

سنت شفاهی به مثابه تاریخ



شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۹۲۳۰-۲-۳ :
شماره کتابشناسی ملی	۵۲۵۴۲۶۵ :
عنوان و نام پدیدآور	: سنت شفاهی به مثابه تاریخ/تالیف جان وانسینا : ترجمه فرهاد نام برادرشاد.
مشخصات نشر : تهران	: مورخان، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۵ص.
یادداشت	: عنوان اصلی: Oral tradition as history, ۱۹۸۵.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: سنت های شفاهی
موضوع	: Oral tradition :
موضوع	: تاریخ -- روش شناسی
موضوع	: History -- Methodology :
موضوع	: سنت های شفاهی -- آفریقا
موضوع	: Oral tradition -- Africa :
موضوع	: آفریقا -- تاریخ -- روش شناسی
موضوع	: Africa -- History -- Methodology :
رده بندی دیویی	: ۹۶۰
رده بندی کنگره	: D۱۶/۲س۹ ۱۳۹۷
سرشناسه	: وانسینا، جان، ۱۹۲۹ - ۲۰۱۷م.
	: Vansina, Jan
شناسه افزوده	: نام برادرشاد، فرهاد، ۱۳۶۳ -، مترجم
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا



سنت شفاهی به مثابه تاریخ

تالیف: جان وانسینا
 مترجم: فرهاد نام برادرشاد
 نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۷
 طراحی جلد: فرود عباسی
 صفحه آرای: امیر نیکبخت
 ناظر چاپ: سید حمید جوکار
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۲۶۰۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۲۳۰-۲-۳

وبسایت: www.movarekhan.com

ایمیل: movarekhan.publication@gmail.com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است و هر گونه سوءاستفاده، بر اساس قانون کپی رایت از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

هدیه به اتفاق شیرین زندکیم؛ و احترام بهار

و

تقدیم به هر آنکس که به من آموخت.

فهرست مطالب

۱۲ سخن مترجم
۱۴ پیشگفتار
۱۹ تقدیر و تشکر
۲۱ فصل اول: سنت شفاهی همچون جریان مداوم
۲۲ گفتار اول: تولید پیام‌ها
۲۳ (۱) اخبار
۲۳ (الف) شاهدان عینی
۲۶ (ب) شایعات
۲۷ (ج) تصورات، روایاها و توهمات
۲۹ (۲) تفسیر تجربه
۲۹ (الف) خاطره
۳۱ (ب) تفسیرها
۳۴ (ج) هنرهای کلامی
۳۵ (۳) تاریخ شفاهی
۳۶ گفتار دوم: فرآیندهای پویایی سنت شفاهی
۳۷ (۱) گفتار حفظ شده
۴۰ (۲) گزارش‌ها
۴۰ (الف) شایعات تاریخی
۴۲ (ب) سنت شخصی
۴۳ (ج) گزارش‌های گروهی
۴۶ (د) سنت‌های اولیه و پیدایش آنها
۵۰ (ه) گزارش‌های متراکم یا پیوسته
۵۱ (۳) حماسه
۵۲ (۴) قصه‌ها، اقوال حکیمانه و ضرب‌المثل‌ها
۵۵ گفتار سوم: سنت شفاهی به مثابه منبع تاریخی
۵۵ (۱) تعریف

- ۵۷ (۲) سنت شفاهی به مثابه مدرک
- ۵۷ (الف) از مشاهده تا ثبت دائمی
- ۶۰ (ب) چه شواهدی؟
- فصل دوم: اجرا، سنت و متن** ۶۳
- گفتار اول: اجرا** ۶۵
- (۱) نمایش و ارائه ۶۵
- (۲) عاملان یا مجریان ۶۹
- گفتار دوم: اجرا و سنت** ۷۲
- (۱) بازتولید اجرا: ۷۳
- (الف) تکرار، زمان و مکان ۷۳
- (ب) هدف از اجرا ۷۵
- (ج) یادآوری: نشانه راهنما و پویش گر ۷۷
- (د) ابزارهای ثبت حافظه ۷۹
- اشیاء ۷۹
- مناظر ۸۲
- موسیقی ۸۳
- (ه) یادگیری ۸۴
- (۲) تنوع درونی یک سنت ۸۵
- (الف) اشعار و اقسام آن ۸۵
- (ب) حماسه ۸۷
- (ج) داستان ۸۹
- (۳) حقیقت، قدمت و اصالت ۹۰
- گفتار سوم: ثبت سنت ها** ۹۳
- (۱) ثبت تصادفی و اتفاقی ۹۳
- (۲) مطالعه روشمند ۹۴
- (۳) وضعیت ثبت ۹۷
- گفتار چهارم: شهادت و متن** ۱۰۲
- (۱) شهادت کلامی ۱۰۲
- (۲) متن ۱۰۵

فصل سوم: دریافت پیام	۱۰۷
گفتار اول: شکل و محتوا	۱۰۸
(۱) ساختار زبانی	۱۰۹
(۲) ژانرها	۱۱۱
گفتار دوم: معنی	۱۱۶
(۱) معنای آشکار	۱۱۷
(۲) معنای در نظر گرفته شده	۱۲۰
(الف) استعاره و کنایه	۱۲۰
(ب) کلیشه	۱۲۱
گفتار سوم: اهداف پیام	۱۲۴
فصل چهارم: پیام یک محصول اجتماعی است	۱۲۹
گفتار اول: کاربردهای اجتماعی پیام	۱۳۱
(۱) چارچوب نهادی	۱۳۱
(الف) عملکرد و نهاد	۱۳۱
(ب) کنترل اجتماعی اطلاعات	۱۳۳
(ج) سنن رسمی و خصوصی	۱۳۶
(۲) پیام به عنوان ابزار	۱۳۹
(الف) کارکردها	۱۳۹
(ب) سنت به عنوان سلاح	۱۴۰
(ج) کاربردهای ایدئولوژیک	۱۴۲
(د) ایده آل سازی	۱۴۴
(ه) تاریخ گذشته چه کسی است؟	۱۴۵
(۳) اجراکنندگان	۱۴۷
(الف) وضعیت معمول اجرا	۱۴۹
(ب) شرایط یک ثبت جدید	۱۵۰
گفتار دوم: سنت آئینه جامعه	۱۵۳
(۱) همگرایی سنت و جامعه	۱۵۳
(۲) چطور چنین همگرایی و انطباقی به وجود می آید؟	۱۵۶
(الف) محدودیت های جامعه و محدودیت های سنت	۱۵۶

- ۱۵۸ (ب) اهمیت
۱۶۰ (ج) فهرست
۱۶۱ (۳) تعادل پایدار (Homeostasis)

فصل پنجم: پیام بیانگر فرهنگ

- ۱۶۵ گفتار اول: جوهره و محتوای فرهنگ
۱۶۶ (۱) مفاهیم اصلی
۱۶۷ (الف) مکان
۱۶۸ (ب) زمان
۱۷۰ (ج) حقیقت تاریخی
۱۷۳ (د) علیت و تغییر تاریخی
۱۷۵ (۲) جهان‌بینی
۱۷۸ (الف) پیدا کردن جهان‌بینی
۱۷۸ (ب) اثرات جهان‌بینی
۱۸۲ گفتار دوم: تصاویر و کلیشه‌ها در نقش بازنمایی‌های جمعی
۱۸۳ (۱) تصویر
۱۸۳ (۲) کلیشه‌ها
۱۸۶ (۳) تفسیر کلیشه‌ها
۱۸۹ (۴) اعتبار تقاسیر و معنای ضمنی
۱۹۱

فصل ششم: سنت به مثابه یادآور اطلاعات

- ۱۹۷ گفتار اول: مجموعه یا پیکره به مثابه استخری از اطلاعات
۱۹۹ (۱) مجموعه یا پیکره چیست؟
۲۰۰ (الف) پیکره اشتراکی است
۲۰۰ (ب) مشخصات پیکره
۲۰۲ (۲) جریان‌های اطلاعاتی
۲۰۴ (الف) در یک جامعه واحد
۲۰۴ (ب) در جوامع مختلف
۲۰۷ - عبارات کلیشه‌ای
۲۰۸ - بازخورد
۲۰۹ (ج) گردآوری جریان‌های اطلاعاتی
۲۱۱

۲۱۱	۳) وابستگی متقابل سنت‌ها
۲۱۵	گفتار دوم: پیکره به مثابه یادآور در طول زمان
۲۱۶	۱) استدلال غلط ساختارگراها
۲۱۶	(الف) مفروضات و نظریه‌ها
۲۱۸	(ب) روش تحلیل
۲۲۱	۲) ساختار
۲۲۳	۳) ساختار گزارش‌های روایتی
۲۲۸	۴) تأثیر ساختار
۲۳۰	گفتار سوم: گاهشماری و یادآوری اطلاعات
۲۳۱	۱) اندازه‌گیری زمان
۲۳۴	۲) حافظه سازمان‌دهنده توالی‌ها
۲۳۷	۳) منابع تاریخ‌گذاری
۲۳۸	(الف) لیست‌ها
۲۴۲	(ب) شجره‌نامه‌ها
۲۴۷	فصل هفتم: ارزیابی سنت شفاهی
۲۴۹	گفتار اول: محدودیت‌های سنت شفاهی و منابع بیرونی
۲۴۹	۱) گاهشماری و وابستگی متقابل
۲۵۴	۲) گزینش و تفسیر
۲۵۷	۳) میزان محدودیت‌ها
۲۵۸	گفتار دوم: منحصر به فرد بودن سنت شفاهی
۲۵۸	۱) به عنوان یک منبع
۲۶۲	۲) به عنوان اطلاعات درونی
۲۶۵	سرانجام سخن
۲۶۸	کتاب‌شناسی
۲۸۸	نمایه

سخن مترجم

یکی از انواع مختلف منابع تاریخی، سنت‌های شفاهی هستند. آن‌ها پیام‌هایی نانوشته‌اند که در حافظه نسل‌های بشری ثبت شده‌اند. سنن شفاهی در گفتارها و آواها منتقل و به صورت مثل‌ها، تصنیف‌ها، سروده‌ها و افسانه‌ها و... دریافته می‌شوند. این منابع تعریف‌کننده فولکلور هستند و به انتقال مفاهیم تاریخی کمک می‌کنند. به عقیده مؤلف «سنن شفاهی اسنادی از حال حاضرند؛ زیرا در حال حاضر نقل می‌شوند. با این حال، آن‌ها تجسم یک پیام از گذشته‌اند و نمی‌توان گذشته و اکنون را در آن‌ها نفی کرد.» نویسنده هدف کتاب خود را تلاش برای تهیه مجموعه‌ای از قواعد و قوانین مربوط به جریان تولید، انتشار و ثبت سنن شفاهی و تاریخی برای خوانندگان و محققان این حوزه بیان می‌کند. به گونه‌ای که این قواعد از یک بدنه و ترتیبی منطقی برخوردار باشند. ناگفته نماند تا دوره اخیر عده معدودی از محققان به حوزه روش‌شناسی سنن شفاهی، به عنوان منبع تاریخ ورود کرده‌اند. با توجه به ابدایی بودن شیوه ارائه مطالب و تدوین قواعد مربوط به سنت‌های شفاهی، اهمیت و ارزش این اثر دوچندان است.

چنان‌که خود نویسنده بیان کرده است، موضوعات و مضامین کتاب محدود به دوره معین یا مکان مشخص نگردیده است. اگرچه این رویکرد باعث باورپذیری بیشتر و ارتباط بهتر مورخان و محققان در زبان‌های غیر انگلیسی با حوزه مطالعاتی

می‌گردد، ولی مترجم را با گستره‌ای از اصطلاحات، واژه‌ها و مفاهیم تاریخی ویژه از زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف مواجه کرد. در این بین سعی گردید تا جایی که مفهوم مختل نگرردد، در ترجمه آن‌ها از واژه‌های فارسی جا افتاده و امروزی در حوزه روش‌شناسی تاریخ استفاده شود. البته در مواردی برای کمک به روشن شدن موضوع در ارجاعات و زیرنویس‌ها اطلاعات مضاعفی از موارد مطروحه ذکر گردیده است که در پایان همه آن‌ها حرف «میم» آمده است.

با علم به اینکه خوانش و دریافت موضوعات و مفاهیم روش‌شناسی تاریخی مستلزم مذاقه و آگاهی کافی نسبت به حوزه مطالعاتی است، ترجمه چنین متونی، ارائه دقیق متن زبان اصلی را با سختی‌های دوچندان مواجه می‌کند. بر این اساس، پیشاپیش هرگونه خطا و کاستی احتمالی که از ناآگاهی مترجم ناشی شده باشد را می‌پذیرم و درخواست دارم خوانندگان محترم این اشتباهات را یادآوری فرمایند. در پایان از همه دوستان و همکارانی که در ارائه بهتر و بخصوص در ترجمه مفاهیم خاص به این حقیر کمک کردند، تشکر می‌کنم و به طور ویژه از دوست خوبم دکتر مصطفی جرفی که فایل متن کتاب را در دسترس اینجانب قرار داد، یاد کنم.

فرهاد نام‌برادرشاد

تهران - تابستان ۱۳۹۷

«چیزهای کهن در گوش باقی می‌مانند»

پیشگفتار

این ضرب‌المثلی است از آکان (کشور غنا) که به صورت مختصر ارائه شده است. شگفتی سنت شفاهی که مورد قبول برخی نیست، این است: پیام‌هایی از گذشته وجود دارد که واقعی هستند، ولی در عین حال به صورت مستمر در دسترس درک و حواس قرار ندارند. سنت‌های شفاهی تنها زمانی آشکار می‌شوند که آن‌ها را نقل کنند. برای لحظاتی گذرا آن‌ها را می‌توان شنید، اما آن‌ها بیشتر در ذهن مردم ساکن هستند. نطق و سخن گذراست، اما خاطرات نه. هیچ‌کس در جوامع شفاهی شک ندارد که خاطرات می‌توانند مخازنی وفادار و حاوی تجربیاتی از گذشته انسان باشند که چگونگی و چرایی شرایط امروز را توضیح می‌دهند. نقل قولی که «چیزهای کهن امروز وجود دارند» یا این نقل که «تاریخ خود را تکرار می‌کند» این مفهوم را تداعی می‌کنند. چه خاطره تغییر کند یا نکند، فرهنگ، با یادآوری در کلمات و اعمال انسانی، بازتولید می‌شود. ضمیر انسان به وسیله خاطرات در حافظه، فرهنگ را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. اینکه چطور برای ذهن به خاطر آوردن موضوعی ممکن بوده و جدای از این، چگونه انتقال این عقاید، پیام‌ها و دستورالعمل‌ها در زندگی پیچیده‌ای که تداوم این ذهنیت را در طول زمان امکان‌پذیر می‌کند، از موارد شگفت‌انگیزی است که یک شخص می‌تواند مورد مطالعه قرار دهد و این تنها با هوش و ذکاوت بشری قابل قیاس می‌باشد. به همین دلیل این

شگفتی مقوله‌ای بسیار شگفت‌انگیز و در عین حال پیچیده است. سنت شفاهی باید مرکزی برای دانشجویان فرهنگ، ایدئولوژی، روانشناسی، هنر و در نهایت تاریخ باشد. در این کتاب ما با آخرین بُعد سنت شفاهی (تاریخ) سروکار داریم.

در میان انواع مختلف منابع تاریخی، سنن شفاهی جایگاه ویژه‌ای دارند. آن‌ها پیام هستند اما نانوخته؛ حفظ آن‌ها به خاطرات نسل‌های پی‌درپی مردم سپرده شده است. با این حال تا دوره اخیر، عده کمی معنا و کارکرد آن را از لحاظ روش‌شناسی تاریخی مطالعه کرده بودند. این نظر با توجه به این واقعیت که سنت‌ها به صورت مداوم و مستمر به عنوان یک منبع اصلی به کار گرفته شده‌اند، شگفت‌انگیزتر است. چنین داده‌های نه‌تنها، منابع آشکاری برای تاریخ جوامع شفاهی و نانویسا یا اطلاعاتی در مورد گذشته گروه‌های عامی و بی‌سواد در جوامع تحصیل کرده می‌دهند، بلکه آن‌ها سرچشمه بسیاری از نوشته‌های قدیمی نیز می‌باشند. آن‌ها از زمان‌های اولیه در مدیترانه، هند، ایران، چین، ژاپن و یا از زمان‌های اخیر مانند نوشته‌های بسیاری از اروپای قرون‌وسطی قبل از آغاز هزاره اول در اروپای غربی وجود داشتند.

«چیزهای کهن، امروزی هستند». بله، سنت‌های شفاهی اسنادی از حال حاضرند، زیرا آن‌ها در حال حاضر نقل می‌شوند. با این حال، آن‌ها تجسم یک پیام از گذشته هستند. به طوری که آن‌ها بیانی از گذشته در یک زمان‌اند. آن‌ها نماینده گذشته در زمان حال حاضرند. نمی‌توان گذشته و یا اکنون را در آن‌ها نفی کرد. به عنوان مثال برخی جامعه‌شناسان، تمام محتوای ناپایدار سنت فعلی را در نظر می‌گیرند که سنت را تحریف می‌کند و آن را نادیده می‌گیرند. همان‌طور که برخی مورخان چنین برخوردی دارند و تأثیرات فعلی را کم یا نادیده می‌گیرند. سنت‌ها را باید همیشه به عنوان انعکاسی از گذشته و حال، در یک کالبد دریافت.

آیا این وضعیت و وابستگی سنن شفاهی به حافظه به طور خودکار اعتبار آن‌ها را به عنوان یک منبع تاریخی از بین می‌برد؟ یا ممکن است اعتقاد به یک داستان نانوخته از روی علاقه، از پدر به پسر توجیه شود؟ جواب به سادگی یک بله یا خیر نیست. در عوض مانند دیگر انواع منابع تاریخی، این سؤال است که منجر به

بررسی نحوه اطمینان به سنت‌های خاص مختلف می‌شود که امکان ارزیابی دارند. این سؤالی است که این تألیف با آن مواجه است.

در سال‌های گذشته من کتابی را برای جواب به این سؤال به امید جلب توجه به این ناکامی در روش‌شناسی تاریخ نوشتم و یک راهنمای مقدماتی برای ویژگی‌های سنن شفاهی به عنوان تاریخ نوشتم.^۱ از آن زمان مقالات و کتاب‌های بسیاری به این مسئله و سؤالات مربوطه اختصاص یافته‌اند؛ مانند مطالعه سنت‌ها به عنوان شکلی از هنر. این کتاب نیاز داشت مطالبش به‌روز شود. در عین حال، تجربیات زیادی کسب شد، بحث‌های زیادی راه خود را برای به چاپ رساندن پیدا کردند و فکر من مانند حافظه، هنوز نایستاده است؛ بنابراین این به یک کتاب جدید تبدیل شد؛ اما هدف آن تغییری نکرد. هدف آن همچنان معرفی مجموعه‌ای از قواعد و قوانین مربوط به شواهد تاریخی به خواننده است، همان‌گونه که این قوانین بر سنت‌های شفاهی اعمال می‌شوند. این قواعد شواهد از یک بدنه، ترتیبی منطقی از تفکر به خود می‌گیرند. نمی‌توان برخی قواعد را اعمال و برخی را نادیده گرفت. آن‌ها یک واحد کل هستند. آن‌ها روش تاریخ‌اند. هدف ما ارائه آن‌هاست. در یادداشت‌ها من به خواننده بحث‌هایی مربوط به آن‌ها را معرفی می‌کنم.

با توجه به محدوده و دامنه پروژه، این کتاب نباید محدود به دوره خاص و یا محلی خاص شود. این کتاب باید تمام موارد را در برگیرد؛ زیرا معتقدم که تفکر انسان و حافظه در هر جایی به صورت یکسان عمل می‌کند و در تمام زمان‌ها یکسان است. برخی هنوز این را رد کرده و در مورد «حالات تفکر» بحث می‌کنند و هدف تفکر را با فرآیند تفکر کردن، اشتباه می‌گیرند. به عنوان نتیجه‌ای ناگزیر از این هدف، این کتاب باید بر وحدت فرآیندهای تفکر در میان تمام انسان‌ها مورد تأکید قرار دهد و از این رو از محدودیت‌های زمان و مکان دوری نماید. با این حال، در عمل بیشتر سنت‌ها و مطالعات در این کتاب بر مبتای برخورد با مردم معاصر است. این از آن جهت اهمیت دارد که ما در اینجا اطلاعات کافی را ارائه می‌کنیم که

1. De la tradition orale (Tervuren, 1961). The exordium of my doctoral dissertation (1957) included much of it.

مورخان را قادر می‌سازد تا قابلیت باورپذیری و اعتبار بسیاری از سنت‌ها را بررسی کنند که احتمالاً در بسیاری از سنت‌هایی که به شکل نوشتاری از گذشته‌های دور به دست ما رسیده است، وجود ندارد. خواننده بدون شک متوجه خواهد شد که در بدنه این کتاب، نمونه‌هایی از آفریقا که حاصل کار مطالعاتی خودم بوده، وجود دارد. برای این موارد اخیر، تحلیل بیشتری در کتاب در دسترس قرار دارد و حتی مواد اولیه منابعی که از آن‌ها استفاده شده، برای خوانندگان علاقه‌مند در دسترس قرار دارد.^۱ هیچ ضرری در استفاده از تجربیاتم و یا مواردی از آفریقا تا زمانی که آن‌ها نشان‌دهنده سنت‌های عمومی هستند، وجود ندارد. بدین منظور، تصاویری از قسمت‌های مختلف جهان در یادداشت‌ها گنجانده شده است. سنت‌های شفاهی اکنون در بیشتر بخش‌های جهان مورد مطالعه قرار گرفته و به ما اجازه می‌دهد تا با اطمینان اعلام کنیم که ما با شرایط عمومی روبه‌رو هستیم. حجم گسترده‌ای خطوط این کتاب می‌تواند این مسئله را نشان دهد؛ اما در حوزه مطالعه در مورد روش، مختصر بودن یک فضیلت حیاتی است و نکات ایجاد شده باید به جای مستند شدن، به تصویر کشیده شوند.

من این بررسی را با توصیف فرآیندی شروع می‌کنم که ما آن را سنت شفاهی می‌خوانیم. این به من اجازه می‌دهد تا بهتر معنای آن را تعریف کنم. پس این را می‌توان با بحث در مورد نحوه ثبت یک سنت، یک شهادت و یا یک متن دنبال کرد که در آن قواعد انتقاد متنی باید اعمال شود. از این طریق من می‌توانم محتوا

1. I worked among the Kuba (Zaire), in Rwanda, Burundi, and among the Tio (Republic of Congo). Kuba materials have been published in *Geschiedenis van de Kuba* and *Children of Woot*. For Rwanda, see *L'évolution du royaume rwanda des origines 1900* (Brussels, 1962), and the CRL collection of traditions, *Ibitekerezoo* (Chicago). For Burundi, see *La legende du passe*, and, for the Tio, *The Tio Kingdom*. The Kuba documentation is available in the Memorial Library of the University of Wisconsin-Madison. Further experience was gained during an oral history project in Libya, dealing with the Italo-Libyan war (1911-32), and data are deposited in the archives of the Libyan Studies Centre, Tripoli.

و زمینه اجتماعی آن‌ها را روشن کرده و ویژگی آن را به عنوان بیان از فرهنگ بیان دارم. سنت، اطلاعاتی است که به خاطر سپرده شده و به همین ترتیب پرسش‌های اساسی را ایجاد می‌کند که بعداً به آن‌ها می‌پردازیم. هنگامی که این جنبه مورد مطالعه قرار گیرد، ارزش سنت برای مورخ را می‌توان ارزیابی کرد. این خط سیر هرچند به نظر منطقی می‌رسد، ولی در واقع طرحی از یک کتاب اولیه است. این طرح انتخاب شد تا خواننده با کمترین میزان تکرار، به بررسی سنن شفاهی به عنوان یک معیار سنجش ارزش در بازسازیهای تاریخی بپردازد.

تقدیر و تشکر

هرکسی که در مورد سنت شفاهی به عنوان فرآیندی که ریشه در یک مجموعه مشارکتی دارد می نویسد، از میزانی که در جریان سنت تاریخ نگاری و - به طور کلی - دانش غوطه ور می شود، آگاه است. در این رودخانه پهناور، گرداب هایی را می توان پیدا کرد: معلمان، همکاران، دانشجویان و نویسندگانی که هرگز دیده نشده اند. فراتر از این، از دانش، زندگی، تجربه و سنت ها عبور می کنند تا به صورت یک خانواده در مورد سنت های خاص و یا دوستان صحبت کنند. آن ها عقلی کمتر از دانشمندان حرفه ای ندارند. پس مؤسساتی وجود دارند که خانه ای برای محققان بوده و آن ها را تغذیه می کنند: موزه ها، نهادها و دپارتمان های دانشگاهی. حتی اگر کسی بتواند تمام بدهی های خود را لیست کند، چطور می تواند سهم بقیه را از بین ببرد؟ در اینجا، متخصص آثار هنری، بدهی ها را شناسایی و در این کار نفوذ دارد در حالی که خوانندگان نهادی، اگر باشند، خواهند دید که چه کاری با حمایت آن ها انجام شده است.

در گذشته به ما گفته شده که یک دوره طولانی و یک تاریخ بسیار اخیر وجود دارد. در ابتدا من باید حداقل اسم یک نفر و یک نهاد را ببرم، اگر چه اشخاص دیگری نیز هستند. ابتدا پروفسور جی. دزمت (Prof. J. Desmet)، مربی سابق. او قطعاً مرا یک دانش آموز متمرّد و یاغی یافت. بعداً او خودش را به من و موضوع

تحمیل کرد. او از دیدگاه‌های من پرس و جو می‌کرد و آن‌ها را با چنان اشتیاقی بیان می‌کرد که گاهی اوقات هم با حواس پرتی مرا به انحراف می‌کشید و احتمالاً من هم او را منحرف می‌کردم. هیچ‌کس نکات ظریف و استدلال‌های تاریخی را بهتر از دزمت درک نمی‌کرد. هیچ‌کس تا انتها به هدف این کتاب، بیشتر از او متعهد نماند و البته بعداً متوجه شدم که استاد من چه مقدار انرژی و زمان در این پروژه صرف کرده است.

نهادی که اکنون از دست رفته است به نام

Institut pour la recherchescientifique en Afriquecentrale (IRSA)

برای نه سال باشکوه به ما شعبه‌ای اعطا کرد تا آنچه می‌خواستیم، تحقیق کنیم. این نهاد حاصل کار مرحوم مغفور L. Van den Berghe بود، کسی که هرگز فراموش نخواهد شد.

در گذشته اخیر من باید از صندوق ویلاس ایالت ویسکانسین، دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه ویسکانسین و بنیاد الکساندر ون هومبالت (آلمان) برای حمایت و وقتی که به من برای تحقیق و نگارش این کتاب دادند، تشکر کنم و چطور می‌توانم خانم S. Grabler را فراموش کنم که همه این‌ها را تایپ کرد و در اواسط کار مجبور شد تا آن را بازبایی کند.

جان وانسینا

فرانکفورت، مین و مدیسون

ویسکانسین. امریکا.

فصل اول

سنت شفاهی همچون
جریان مداوم

مفهوم سنت شفاهی هم به فرآیند تولید و هم به خود تولید دلالت می‌کند. منظور از تولیدات، پیام‌های شفاهی‌اند که بر اساس پیام‌های شفاهی قبلی ایجاد یا حداقل مربوط و مرجوع به آفرینش قدیمی‌تری هستند. فرآیند تولید نیز انتقال چنین پیام‌های است که به وسیله واژگان در صحبت‌ها در برهه‌ای از زمان بیان می‌شوند؛ تا اینکه این پیام‌ها نامرئی و ناپدید می‌شوند. از این رو، هر سنت شفاهی معین، با اینکه یک تعبیر و تفسیری از یک لحظه در گذر زمان است، یک عنصر در فرآیند تکامل سنن گفتاری است که با ارتباطات و مرودات اولیه شروع می‌شود. ویژگی‌ها و مشخصات هر تعبیر، مطابق با موقعیتی که در همه فرآیند تولید دارد، مختلف است؛ بنابراین، ما قبل از اینکه سنن شفاهی را همچون منبعی برای تاریخ توصیف کنیم و یا درصدد تشریح ویژگی‌های عمده آنها باشیم، باید در وحله اول در مورد گستره این فرآیند بحث کنیم.

گفتار اول: تولید پیام‌ها

در هر وضعیت و مکانی که مردم گفتگو می‌کنند، پیام‌های تولید می‌شود؛ در برخی از این مکان‌ها، بعضی از این پیام‌ها در گفتگوها تکرار می‌شود و از این لحظه، فرآیند انتقال شروع می‌شود. تنوع نامحدود شرایطی که انسان‌ها به صحبت با یکدیگر برانگیخته می‌شوند و به تکرار آنچه دیگران گفته‌اند، می‌پردازند، باید در طبقه‌بندی پیام‌ها کاهش یابد. با این اوصاف، در میان پیام‌های که تکرار می‌شوند،

یک مورخ، دو گروه اصلی را تشخیص خواهد داد: ارتباطی که نشان دهنده اخبار و وقایعی است و ارتباطی که گویای یک ترجمه (تفسیر) ی از شرایط موجود است. به نوبه در این موارد بحث می‌کنیم.

اخبار:

جوهره و ذات خبر، دادن اطلاعات درباره موضوعاتی است که نه خیلی وقت پیش اتفاق افتاده و نه در میان مخاطبان و شنوندگان مشهور باشد. اخبار، باید علاقه‌ای را در مخاطب ایجاد کنند و غالباً ارزش عاطفی و احساسی دارند و زمانی که تکرار می‌شوند ارزش احساسی و عاطفی بیشتری پیدا می‌کنند. نکته‌ای اصلی این است که چنین ارتباطی، تنها مربوط به گذشته نیست، بلکه فعلی و مربوط به حال است که آینده را به دنبال دارد. چنین اطلاعاتی از شاهدان عینی، شایعات، تجارب داخلی مثل تصورات، رویاها یا توهم‌ها بدست می‌آیند.

(الف) شاهدان عینی:

هر خواننده این کتاب یا اثر دیگری، در یک آن و لحظه، شاهدی عینی بوده است. هرکسی یک درک بخصوص یا گزارشی از حوادثی که خود در آن سهیم بوده، می‌دهد یا اینکه او افرادی را که دیگر وجود ندارد، دیده است. ظاهراً گزارش‌های شاهدان عینی سرچشمه و منابع خبری همه تاریخ هستند. از این رو، محققان در بیشتر کتاب‌های روش تحقیق تاریخی، در مورد آن بحث کرده‌اند.^۱ آن‌ها تصریح می‌کنند که به منظور اینکه شاهد قابل اعتماد باشد، باید قادر به دیدن آنچه شاهد دیده است، باشیم و نه گرفتار حضور و مشارکت او در گروه‌های مختلف که می‌تواند کاملاً دید او را تغییر بدهد، شویم. اولین نکته واضح، اینکه گزارش‌های دیگران خیلی آشکار و گویا نیستند؛ گزارش‌های سربازان در نبرد اغلب در هر دو زمینه دارای نواقصی هستند. آن‌ها تنها قسمت‌های از اتفاقات جنگ و اغلب به صورت صفحه‌ای مبهم دیده‌اند. بسیاری از آنها واقعاً در یک سردرگمی عمومی‌اند و نمی‌فهمند چه اتفاقی در حال رخ دادن است و به خاطر موقعیت خاص

1. 1. For a recent thorough survey see E. P. Loftus, *Eyewitness Testimony*.

آنها در نبرد، نمی‌توانند به راحتی شاهد همه حوزه گسترده جنگ باشند.^۱ از تجارب خود من که گزارش‌های از شاهدان عینی حاضر در نبرد بین ایتالیا و لیبی (۱۹۳۲-۱۹۱۱ م.) گرفته‌ام، بدیهی است که تنها با یک استثنا، هیچ یک از هزاران جاسوس یا گوینده دیگر نمی‌توانند شاهد کل نبرد بوده باشند. این استثنا، یک مردی بود که در دوره نبرد تقریف (Taghrift) (۱۹۲۷ م.) روی یک تپه مشرف به میدان جنگ و نبرد آن زمان می‌نگریست و شترش را دنبال می‌کرد که به وسیله نیروهای لیبیایی مصادر شده بود. نبرد در صحنه کوچکی بود؛ میدان نبرد یک زمین گود که اطراف آن را تپه‌های گرفته بودند، دیده می‌شد. حتی با این اوصاف، او به هیچ وجه نمی‌توانست برای دیگران و آیندگان توضیح دهد که نیروها در طی عملیات، چند ساعت درگیر بودند.

در بهترین شرایط، حتی شاهدان عینی نیز نمی‌توانند گزارش‌های عین به عین از اتفاقات و همچنین گزارش درگیری‌ها ارائه دهند. گزارش‌های شاهدان عینی همیشه یک تجربه شخصی است. به علاوه، نه تنها مستلزم و محدود به آگاهی و مشاهده است، بلکه همچنین احساسی و ارزشی است. شاهدان اغلب بیکار نیستند که به یک تیرک چوبی تکیه بزنند و وقایع را ببینند؛ در حوادث سهم هستند. از این گذشته، آن‌ها یک فهمی از وقایع دارند و نسبت به درک و فهم داده‌های وقایع نیز بی‌تصرف نیستند. درک و دریافت می‌بایست یک پیوستگی کلی و ارتباط منطقی در وضعیت و تکه‌های مشاهده شده داشته باشد. نمونه اسناد کلاسیک از تصادف خودروها یا ربودن کیف پول بسیار زیاد است. یک شاهد که گزارش تصادف یک خودرو را می‌دهد، معمولاً اول صدای برخورد را شنیده و سپس آن را دیده است و پس از آن استنتاج می‌کند که چگونه آن اتفاق رخ داده است و یک گزارش پیوسته‌ای از تصادف می‌سازد که چگونه دو خودرو و قبل از تصادف در حرکت بودند و پس از آن چگونه برخورد کردند. احتمالاً او دو خودرو را قبل از تصادف، زمانی که به سمت هم کشیده می‌شوند، ندیده است. بیشتر شاهدان خودشان

1. G. Greene was present at a revolution in Latvia (Riga, 1938), but did not see it. See *Ways of Escape*, p. 100.

نمی‌توانند یک داستانی با یک صدا شروع و در نتیجه اولین گزارش تصادف را بسازند. اگر هم یک شاهد در یکی از ماشین‌های که تصادف کرده، حضور داشته باشد، به علت سرعت بیشتر لحظه وقوع واقعه نسبت به واکنش آنها، اجازه پیدا نمی‌کند دقیق حادثه را درک کند. اغلب چنین شخصی تنها یک یا دو تصویر از تصادف در حافظه‌اش دارد؛ اما زمانی که وقایع را به زبان می‌آورد که چگونه رخ داده است، وی می‌بایست یک روایتی با ساختار و پیوست منطقی از وضعیت رخ داده گزارش دهد.

گزارش‌های شهود فقط تا حدودی قابل اعتمادند. بدیهی است که حوادث پیچیده (مثل نبردها) و غیر منظره (مثل وقایع اتفاقی) نسبت به حوادث ساده، کمتر مورد انتظار و پیش‌بینی هستند. با این حال، اینجا گزارش‌های ناقصی باقی می‌مانند. انتظار و پیش‌بینی رویداد، بخودی خود مشاهده آن را و روایتش را دچار تحریف می‌کند. مردم به گزارش آنچه آنها تمایل دارند، میل بیشتری دارند و گوش شنوایی حتی برای دیدن و شنیدن بیش از آنچه که روایان و ناقلان واقعاً دیده یا شنیده‌اند، هستند. به طور خلاصه: گزارش‌های شهود، حد وسط، بین آنچه توسط حافظه ادراک شده و حالت عاطفی و مهیج سیمای یک روایت را گزارش می‌دهند. حافظه، معمولاً به طور گزینشی، ویژگی‌های خاصی از ادراکات و یافته‌های متواتر را انتخاب می‌کند و آنها را بر اساس نوع انتظار و پیش‌بینی، دانش و داشته‌های قبلی و با منطق اینکه چه باید اتفاق افتاده باشد و نیز با وجود شکاف و فاصله در این ادراکات، تفسیر می‌کند.

بنابراین در گام نخست، اعتبار هر پیام یا روایتی، چه شفاهی و چه نوشته شده، با یک تحلیل و نقد بسیار موشکافانه، ممکن است به انکار روایت شاهدان عینی و یا کم کردن اعتبار آن بینجامد. در تئوری‌های بسیار دقیق، یک چنین تحلیلی می‌تواند درست باشد. در عمل، همچنین ما از تجارب روزانه‌مان می‌دانیم که آن اشتباه است. اگر مشاهدات ما و تفسیر آنها نامطمئن و نامعتبر بودند، پس ما در همه حال دستورالعمل و شیوه‌ی کاری نداشتیم و یا وظیفه‌ای در قبال آنها داشته باشیم. ما نه می‌خواهیم به خاطر بسپاریم و نه عمل یا نقشی بایسته در به خاطر سپردن یا یادآوری